

عوامل حیاتی برای بازیابی زندگی کلیسایی

پیام هفت

عامل یکپارچگی برای واقعیت بدن مسیح

مطالعه متون مقدس: ۱۲: ۵؛ اول قرن‌تین ۶: ۱۷؛ ۱۲: ۲۴، ۳۱؛ ب؛
۱۳: ۱-۸؛ ۱۰: ۱۷؛ لاویان ۲: ۴؛ افسسیان ۳: ۱۶-۱۷؛ ۴: ۱۶

۱. اوج اقتصاد خدا، واقعیت بدن مسیح است؛ واقعیت بدن مسیح مطلقاً زنده [اورگانیکی] است - رومیان ۸: ۲، ۶، ۱۰-۱۱؛ ۱۲: ۴-۵

آ. خدمتگزاری کامل کننده پولس رسول کلاً بر بدن مسیح متمرکز شده است - بخصوص رومیان، اول قرن‌تین، افسسیان، و کولسیان؛ بدن، مورد نهایی کار مدام خداست، پس بدن، نکته برجسته کل مکاشفه خداست - رومیان ۱۲: ۴-۵؛ اول قرن‌تین ۱۲: ۱۲-۱۳، ۱۸-۲۲؛ افسسیان ۱: ۲۲-۲۳؛ ۲: ۱۶؛ ۳: ۴؛ ۴: ۱۲، ۱۵-۱۶؛ ۵: ۲۳، ۳۰؛ کولسیان ۱: ۱۸، ۲۴؛ ۲: ۱۹؛ ۳: ۱۵.
ب. رومیان ۱۲ درباره بدن از زاویه وحدت زنده می‌گوید؛ آیه ۵ می‌گوید، «ما نیز که بسیاریم، در مسیح یک بدن را تشکیل می‌دهیم»:

۱. در این آیه، دو کلمه دلالت دارند بر وحدت زنده - «در مسیح»؛ «در مسیح» موضوع وحدت زنده است - ر.ک. یوحنا ۳: ۱۶؛ رومیان ۶: ۳-۶؛ ۱۱: ۱۷، ۱۹؛ ۱۶: ۷-۱۰؛ اول قرن‌تین ۱: ۳۰؛ دوم قرن‌تین ۲: ۱۷؛ ۵: ۱۷؛ ۱۲: ۲؛ غلاطیان ۳: ۲۷.

۲. ما در مسیح یک بدن هستیم چون دارای وحدتی زنده با او می‌باشیم؛ این وحدت، ما را در حیات با او و با دیگر اعضا در بدن، یک می‌کند؛ وقتی ما در این وحدت زنده می‌مانیم، در واقع در بدن مسیح زندگی می‌کنیم - رومیان ۸: ۱۶؛ اول قرن‌تین ۶: ۱۷؛ دوم تیموتائوس ۴: ۲۲؛ رومیان ۸: ۴-۶.

۳. واقعیت بدن مسیح، ماندن ما در وحدت زنده با مسیح است؛ یوحنا ۱۵: ۱-۱۱ فاش می‌کند که مسیح همان تاک حقیقی است و اینکه ما شاخه‌های او هستیم؛ به عنوان شاخه‌های مسیح، ما باید در او بمانیم، این بسادگی بدین معناست که ما در وحدت زنده با مسیح بمانیم - آ.آ. ۴-۵؛ م. ش. ۸: ۳۱؛ ۱۵: ۷.

۲. بازیابی خداوند برای بناسازی بدن مسیح است؛ از این رو، شناخت بدن، بازیابی مناسب خداوند است - اول قرن‌تین ۱۲: ۲۷؛ افسسیان ۴: ۱۶؛ کولسیان ۳: ۱۵.

آ. کلیسا بدن مسیح را به عنوان عامل زنده خود برمی‌گیرد؛ بدون بدن مسیح، کلیسا بی‌جان بوده و تنها یک سازماندهی انسانی است - اول قرن‌تین ۱: ۲؛ ۱۲: ۱۳-۱۳، ۲۷.

ب. بدن، اهمیت نهادی کلیساست؛ بدون بدن، کلیسا هیچ معنا و مفهومی ندارد - رومیان ۱۲: ۴-۵؛ ۱۶: ۱، ۴، ۱۶.

پ. محبت پوشش می‌دهد و بنا می‌سازد، پس محبت عالیترین طریق برای ماست که جهت بناسازی کلیسا چیزی باشیم و یا کاری کنیم - اول قرن‌تین ۸: ۱؛ ۱۲: ۳۱؛ ۱۳: ۱-۸، آ. ۱۳.

ت. ارشادان باید یکدیگر را شبانی و محبت کنند تا یک مدل از زندگی بدن باشند؛ ارشادان باید یکدیگر را محبت کرده، همسرانشان باید به یکدیگر محبت کنند، و آنها باید فرزندان یکدیگر را دوست بدارند - یوحنا ۲۱: ۱۵-۱۷؛ اول قرن‌تین ۱۳: ۴-۸.

ث. اگر ما بخواهیم دارای واقعیت بدن مسیح باشیم، باید اجازه دهیم که مسیح خانه خود را در دل‌هایمان بسازد؛ واقعیت بدن مسیح، تجربه درونی از مسیح ساکن در درون است - افسسیان ۳: ۱۶-۱۷؛ ۴: ۱۶؛ کولسیان ۱: ۲۷؛ ۳: ۴، ۱۵.

ج. خداوند به طور ضروری به واقعیت بدن مسیح نیاز دارد که در کلیساهای محلی ابراز شود؛ اگر

یک ابراز قابل توجه از بدن مسیح وجود نداشته باشد، مسیح نمی‌تواند بازگردد - افسسیان ۱: ۲۲-۲۳؛ ۴: ۱۶؛ ۵: ۲۷، ۳۰؛ مکاشفه ۱۹: ۷.

ج. خداوند به پیروزمندان نیاز دارد تا اقتصاد جاودان خدا را برای بدست آوردن بدن مسیح و نابود کردن دشمن اجرا کنند؛ بدون پیروزمندان، بدن مسیح نمی‌تواند بنا شود، و اگر بدن مسیح بنا نشود، مسیح نمی‌تواند برای عروسش بازگردد - افسسیان ۱: ۱۰؛ ۳: ۱۰؛ مکاشفه ۱۲: ۱۱؛ ۱۹: ۷-۹.

۳. بازیابی خداوند برای بنای صهیون است - [یعنی] پیروزمندان به عنوان واقعیت بدن مسیح که در اورشلیم نو تکامل می‌یابد؛ در زندگی کلیسایی، ما باید برای رسیدن به صهیون امروزه، کوشش کنیم - افسسیان ۱: ۲۲-۲۳؛ ۴: ۱۶؛ اول قرنتیان ۱: ۲؛ ۱۲: ۲۷؛ مکاشفه ۱۴: ۱؛ ۲۱: ۲:

آ. صهیون به عنوان بخش درخشان، و زیبایی شهر مقدس، اورشلیم، نمادی از پیروزمندان به عنوان قلّه بلند، مرکز، والایی، قوت، غنی کردن، زیبایی و واقعیت کلیساست - مزامیر ۴۸: ۲، ۱۱-۱۲؛ ۵۰: ۲، ۲۰: ۲، ۵۳: ۵۶؛ ۸۷: ۲.

ب. اورشلیم نمادی است از کل بدن کلیسا، در حالی که صهیون نمادی از پیروزمندان در کلیساست؛ هر بار که عهد قدیم از رابطه بین صهیون و اورشلیم می‌گوید، نشان می‌دهد که مشخصات، حیات، برکت و استقرار اورشلیم از صهیون حاصل می‌شود - اول پادشاهان ۸: ۱؛ مزامیر ۵۱: ۱۸؛ ۱۰۲: ۲۱؛ ۱۲۸: ۵؛ ۱۳۵: ۲۱؛ اشعیا ۴۱: ۲۷؛ یوئیل ۳: ۱۷.

پ. اورشلیم نو تمامیت پیروزمندان است؛ باقیماندگانی از ایمانداران خداوند، پیروزمندان زودرس، عروس مسیح برای هزار سال خواهند بود (مکاشفه ۱۹: ۷-۹؛ ۲۰: ۴-۶)؛ آنها سپس به دیگر ایمانداران خدا، [یعنی] پیروزمندان دیررس، خواهند پیوست، برای اینکه تا ابد همسر مسیح باشند (۲۱: ۲-۳، ۷):

۱. پیروزمندان زودرس، به عنوان واقعیت صهیون در درون اورشلیم، [یعنی] واقعیت بدن مسیح در درون کلیسا، در دلشان شاهراه‌های صهیون را دارند؛ آنها دروناً، با همبسته شدن با خدا به عنوان محل سکونت خود، از طریق مسیح مصلوب که به عنوان آشیانه آنها برای پناهگاهشان، توسط مذبح برنجین نمایان شده، و از طریق مسیح رستاخیز-کرده در صعود که به عنوان خانه آنها برای آسایششان، توسط مذبح بخور نشان داده شده است، راه کلیسا را بر می‌گیرند - مزامیر ۴۸: ۲؛ ۸۴: ۳-۵؛ ر.ک. امثال ۲۷: ۸.

۲. پیروزمند شدن بدین معناست که ما خداوند را بیشتر از خودمان، بیشتر از جانمان دوست می‌داریم؛ یک پیروزمند، برای واقعیت بدن مسیح، فقط مسیح را می‌شناسد و دوست می‌دارد - فیلیپیان ۳: ۱۰؛ ۴: ۱۲؛ مکاشفه ۲: ۴-۵، ۷؛ ۱۲: ۱۱.

۳. خداوند منتظر گروهی از پیروزمندان است که واقعیت بدن مسیح را در رستاخیز زیست کنند تا عروس مسیح شده، او را بازگردانند و عصر پادشاهی را بیاورند؛ بدین جهت ما باید دعا کنیم: "خداوند، باشد از تو رحمت و فیض یابم تا یکی از پیروزمندان تو باشم."

۴. خدا بدن را با هم یکپارچه [مرتب] ساخته (اول قرنتیان ۱۲: ۲۴)؛ کلمه «مرتب [یکپارچه]» به معنای «میزان کردن»، «هماهنگ کردن»، «متعادل کردن»، و «در هم آمیختن» است، و این دلالت دارد بر از دست دادن تفاوت‌ها:

آ. برای یکپارچه شدن جهت واقعیت بدن مسیح، ما باید از صلیب عبور کرده و توسط روح باشیم تا برای بناسازی بدن مسیح، مسیح را به دیگران توزیع کنیم.

ب. یکپارچگی یعنی ما همواره متوقف شویم برای اینکه با دیگران مشارکت کنیم؛ ما نباید هیچ کاری را بدون مشارکت با دگر مقدسینی که با ما هماهنگی می‌کنند انجام دهیم، زیرا مشارکت ما را میزان هماهنگ، متعادل کرده و در هم می‌آمیزد - ر.ک. حزقیال ۱: ۱۲ و زیرنویس ۱.

پ. گروهی از برادران مسئول می‌توانند اغلب اوقات با هم ملاقات کنند بدون اینکه یکپارچه شوند؛

یکپارچه شدن بدین معناست که ما از طریق عبور از صلیب، انجام کارها توسط روح، و همه کار را برای توزیع مسیح به خاطر بدن انجام دادن، با دیگران لمس شده، آنها را لمس می‌کنیم.

ت. یکپارچگی بدین ترتیب، اجتماعی نیست بلکه یکپارچگی همان مسیح است که اعضای منفرد، کلیساهای منطقه، همکاران، و ارشدان، از او مسرت برده، او را تجربه کرده، و از او برخوردار می‌شوند - ر.ک. اول قرن‌تینان ۱: ۹.

ث. ما باید رد پای رسولان را دنبال کنیم برای اینکه مقدسین را به زندگی یکپارچگی کل بدن مسیح آوریم؛ آن رسول توسط توصیه‌ها و درودها ما را به زندگی یکپارچگی کل بدن مسیح آورد تا اینکه خدای صلح و آرامش بتواند شیطان را زیر پاهای ما له کند، و تا ما بتوانیم از فیض غنی مسیح مسرت ببریم - رومیان ۱: ۱۶-۱۶، ۲۱-۲۳، ۲۰:

۱. مقصود از یکپارچگی این است که همگی ما را به واقعیت بدن مسیح درآورد؛ لازم است ما در کلیساهای محلی به عنوان روش [طرز عملی] باشیم تا به واقعیت بدن مسیح به عنوان هدف، آورده شویم.

۲. بلندترین قله بازیابی خداوند که به طور واقعی، عملی، و حقیقی می‌تواند اقتصاد خدا را اجرا کند، این نیست که خدا کلیساهای محلی بسیاری را به طور فیزیکی تولید کند، بلکه این است که یک بدن زنده [اورگانیک] که موجودیت زنده او [خدا] باشد، تولید شود.

۳. اندیشه پولس در این مورد که کلیسا یک نان است (اول قرن‌تینان ۱۰: ۱۷) اختراع خودش نبود؛ بلکه آن از هدیه آردی در عهد قدیم گرفته شده بود (لاویان ۲: ۴)؛ هر بخش از آرد هدیه آردی، با روغن آمیخته شده بود - این یکپارچگی است.

۴. به ندرت کسی درباره یکپارچگی می‌گوید، زیرا این موضوع نه تنها والا و عمیق است بلکه بسیار اسرار آمیز نیز هست؛ این یک موضوع فیزیکی نیست؛ اهمیت یکپارچگی ما، واقعیت بدن مسیح است.

۵. یکپارچگی برای بناسازی بدن عالمگیر مسیح (افسسیان ۱: ۲۳) جهت تکامل اورشلیم نو (مکاشفه ۲: ۲۱) به عنوان هدف نهایی اقتصاد خدا بر طبق اراده نیکوی او، است (افسسیان ۸: ۱-۱۰، ۹: ۱-۱۰).

۵. خواست قلبی خدا این است که واقعیت در عیسی، [یعنی] زندگی خدا-انسان گونه عیسی همان طور که در چهار انجیل ثبت شده است، در اعضای بسیار بدن مسیح، توسط روح واقعیت تکثیر گردد تا تبدیل به واقعیت بدن مسیح شود، این اوج اقتصاد خداست - افسسیان ۴: ۲۰-۲۴، ۳-۴:

آ. واقعیت بدن مسیح همان روح واقعیت است، که روح عیسا است که با روح ما در هم آمیخته است؛ روح عیسی شامل واقعیت در عیسی، [یعنی] زندگی خدا-انسان گونه عیسی، می‌باشد - یوحنا ۱۶: ۱۳؛ اعمال ۱۶: ۷؛ رومیان ۸: ۱۶؛ اول قرن‌تینان ۶: ۱۷؛ فیلیپیان ۱: ۱۹-۲۱.

ب. وقتی که ما در روح درهم آمیخته زندگی می‌کنیم، مسیح را بر طبق آن واقعیت که در عیسی است توسط روح واقعیت بر طبق مدل او در چهار انجیل، می‌آموزیم تا اینکه زندگینامه او تبدیل به تاریخ ما شود؛ زندگی بدن مسیح به عنوان انسان نو باید دقیقاً همانند زندگی عیسی که در چهار انجیل فاش شده است باشد - افسسیان ۱: ۱۷؛ ۲: ۲۲؛ ۳: ۵، ۱۶؛ ۴: ۲۳؛ ۵: ۱۸؛ ۶: ۱۸؛ ۱۷-۱۸؛ ۱۷-۱۸؛ رومیان ۱: ۱، ۹؛ فیلیپیان ۲: ۵.

پ. واقعیت بدن مسیح، یک زندگی جمعی توسط خدا-انسانهای بی‌عیب شده‌ای است که انسانهای واقعی هستند ولی توسط حیات خود زندگی نکرده بلکه توسط حیات خدای پروسه دیده، که خواصش از طریق صفات آنها ابراز می‌شود، زندگی می‌کنند - ۴: ۵-۹.

ت. واقعیت بدن مسیح، یک زیستن در هم آمیخته در وحدت جاودان خدا-انسانهای سه بخشی تولد تازه یافته، دگرگون شده، و جلال یافته با خدای سه‌یکتا در رستاخیز مسیح است - لاویان ۲: ۴-۵؛ مزامیر ۹۲: ۱۰؛ اول قرن‌تینان ۱۲: ۱۲؛ ۱۰: ۱۷:

۱. ما کلمه «در هم آمیختن» را بکار می‌بریم، زیرا این زیستن هنوز ادامه دارد.
۲. یک چنین زیستن در هم آمیخته، در رستاخیز مسیح است، و واقعیت این رستاخیز همان روح است؛ این رستاخیز، خدای متعال را رسانده و حیات غالب بر مرگ را به درون ایمانداران منتشر می‌کند.
- ث. این زیستن جمعی و در هم آمیخته توسط خدا-انسانهای بی‌عیب شده، در نهایت در اورشلیم نو در آسمان نو و زمین نو به عنوان افزایش و ابراز خدا تا ابد، تکامل می‌یابد - مکاشفه ۲۱: ۲-۳، ۹ب-۱۱، ۲۲.